



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 4, Issue 4, 2024

The Effect of The Family on The Occurrence and Prevention of Crime

Dina Hakkak¹, Asghar Arabian^{*2}, Mohammad Javad Javid³

1. PhD Student of Private Law, Faculty of Law, and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.. (Corresponding Author)

3. Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-11

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-1555-7253

TELL: +989124663060

Email: a.arabian42@gmail.com

Article history:

Received: 19 May 2024

Revised: 01 Sep 2024

Accepted: 15 Sep 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Family, Crime, Prevention.

ABSTRACT

In the field of family institution, from the perspective of sociology and criminal law, especially criminology, there are many factors and variables that can be effective in committing or preventing crime. The criminal justice system requires that the roots of the crime and the tendency towards it be analyzed from the smallest element of the society, i.e. the family. Although in criminology, criminals can be divided into accidental and habitual criminals; But in accidental criminals, the roots of crime are activated from the most basic institution of society, namely the family. On the other hand, crime-causing factors generally include physical and genetic factors, emotional and psychological factors, as well as social factors and environmental effects, can be formed from the foundations of the family. Therefore, the family will be recognized as an independent variable and the effect of the family institution on the occurrence or prevention of crime as a dependent variable; Therefore, the factors in the family are analyzed by separating the effective factors in committing crime and the effective factors in preventing crime. The results of the discussion indicate that the challenges of the family institution such as violence, corporal punishment, parents' preoccupation and the like can be effective in the occurrence of crime, and on the other hand, emotional connection with children, family management and religious education can have a direct effect to prevent crime.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Hakkak, D; Arabian, A & Javid, MJ (2024). "The Effect of The Family on The Occurrence and Prevention of Crime". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(4): 1-11.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

تأثیر نهاد خانواده بر وقوع و پیشگیری از پدیده مجرمانه

دینا حاکاک^۱، اصغر عربیان^{۲*}، محمدجواد جاوید^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. استاد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

در حوزه نهاد خانواده، از بعد جامعه‌شناسی و حقوق کیفری به ویژه جرم‌شناسی بسیاری از عوامل و متغیرها وجود دارند که می‌توانند در ارتکاب یا پیشگیری از جرم مؤثر واقع شوند. نظام عدالت کیفری ایجاب می‌نماید که ریشه‌های وقوع جرم و تمایل نسبت به آن از کوچکترین عنصر جامعه یعنی خانواده مورد تحلیل قرار گیرد. هرچند در علم جرم‌شناسی بزهکاران را می‌توان به بزهکاران اتفاقی و به عادت تقسیم نمود؛ لیکن در بزهکاران اتفاقی نیز ریشه‌های ارتکاب جرم از اساسی‌ترین نهاد جامعه یعنی خانواده فعال می‌گردد. از سوی دیگر، عوامل ایجاد جرم به‌طور کلی شامل عوامل جسمی و ژنتیکی، عوامل روحی و روانی و همچنین عوامل اجتماعی و اثرات محیطی است که هر سه عامل می‌تواند از پایه‌های خانواده شکل گیرد. بنابراین، خانواده به‌عنوان متغیر مستقل و تأثیر نهاد خانواده بر وقوع یا پیشگیری از جرم به‌عنوان متغیر وابسته شناخته خواهد شد؛ از این‌رو عوامل موجود در خانواده با تفکیک عوامل مؤثر در ارتکاب جرم و عوامل مؤثر در پیشگیری از جرم مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج بحث حاکی از آن است که چالش‌های موجود در نهاد خانواده از جمله خشونت، تنبیه بدنی، مشغله والدین و مانند آن می‌تواند در وقوع جرم مؤثر باشد و در مقابل، ارتباط عاطفی با فرزندان، مدیریت خانواده و آموزش امور مذهبی می‌تواند بر پیشگیری از جرم اثر مستقیم داشته باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۲۵۳-۱۵۵۵-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۴۶۶۳۰۶۰

ایمیل: a.arabian42@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

خانواده، جرم، پیشگیری.



مقدمه

خانواده از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه است که می‌تواند نیازهای مادی، عاطفی، تکاملی و همچنین نیازهای معنوی انسان‌ها را برطرف نماید. این واحد اجتماعی مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی می‌باشد. اهمیت خانواده به اندازه‌ای است که سلامت و بالندگی هر جامعه را وابسته به سلامت و رشد خانواده‌های آن می‌دانند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی، فارق از تأثیر خانواده ایجاد نگردیده است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۵).

فرزندان هر خانواده، قربانیان اصلی عملکرد نامطلوب خانواده‌ها هستند. طبق نظر فروید بیشتر افراد ناسازگار، وابسته به خانواده‌های آسیب‌دیده هستند و فرزندی که مربوط به خانواده‌های پرکشمکش هستند، به سبب عدم برخورداری از آرامش روانی و نداشتن تمرکز در معرض رفتار ناسازگارانه و بزهکارانه قرار می‌گیرند (مرکز آموزش سازمان زندان‌ها، ۱۳۸۴).

نظر به اینکه بخش عظیمی از افراد جامعه ما را قشر جوان و نوجوان تشکیل داده است؛ پرداختن به مسائل و مشکلات مربوط به این قشر تأثیر زیادی در باروری و شکوفایی نسل آینده جامعه خواهد گذاشت. در جوامع مختلف سالیانه هزینه‌های گزافی برای نگهداری، درمان و توانبخشی نوجوانان بزهکار صرف می‌شود که بخشی از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی این افراد، بر اصلاح و تغییر رفتار فرد بزهکار متمرکز است. غافل از اینکه نوجوان آسیب‌دیده، محصول منفعل بودن خانواده است و بدون شناخت عوامل زمینه‌ساز و تلاش برای تغییر روابط درونی خانواده، اصلاح رفتار فرد بزهکار اثربخشی مطلوبی ندارد.

در راستای این موضوع، ساترلند اظهار می‌نماید که هرچه روابط اعضای خانواده از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر، وجود افراد مجرم در خانواده فرصت آموختن و یادگیری انحرافات را برای سایر اعضا فراهم نماید.

هیرشی معتقد است که کاهش دلبستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده، روی میزان بزهکاری تأثیر مثبت خواهد داشت. مطالعه دیگر نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان با خانواده گسسته شده مرتبط است. علی‌القاعده، نسبت بزهکاری در خانواده‌های گسسته، به مراتب بالاتر از خانواده‌های سالم می‌باشد. همچنین میزان بزهکاری کودکان خانواده‌های گسسته در اثر جدایی یا طلاق، از بزهکاری کودکان خانواده‌هایی که در نتیجه مرگ یکی از والدین از هم گسسته شده‌اند، بیشتر می‌باشد.

۱- نقش خانواده در جامعه

۱-۱- عملکرد خانواده در جامعه

جامعه نتیجه تشکل افراد است و می‌تواند بر تمام افراد تأثیر داشته باشد. این تأثیرات در جامعه نمود پیدا می‌کند. بر این اساس می‌توان ادعا نمود که خانواده مهم‌ترین نهاد تغذیه کننده جامعه است و این نفوذ تا حدی است که جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، حقوق‌دانان، روان‌شناسان اجتماعی و مربیان، شرافت یا انحراف و به هنجاری یا نابه هنجاری جامعه را نشأت گرفته از خانواده تلقی می‌کنند.

۱-۲- اهمیت خانواده در عصر کنونی

با وجود تغییرات عمده و دگرگونی‌های عظیمی که در روابط اجتماعی و الگوهای اجتماعی زندگی ایجاد شده، خانواده همچنان مقدس‌ترین و مهم‌ترین بخش از اجتماع می‌باشد. خانواده به‌تنهایی ویژگی‌های یک جامعه را دارا است و جامعه‌ای است که از مجموعه آنها جامعه بزرگتر تشکیل می‌گردد. خانواده یک شبکه ارتباطی است که در آن شبکه‌های ارتباطی و قواعد منظمی حاکم بوده و افراد آن دارای حال و گذشته و آینده مرتبط می‌باشند. خانواده محیطی است که کودک با همه تجربه‌های خویش به آن باز گشته، بر آلام و دردهایش مرهم می‌نهد و در آن از افتخارات و موفقیت‌هایش سخن به میان می‌آورد.

خانواده تجارب افرادش را شناسایی، درک و ارزیابی می‌نماید و تجربه‌های مثبت را تشویق و تجارب منفی را تنبیه نموده تا آنها از هر گزند و آسیبی فاصله بگیرند. کانون خانواده به دلیل

مطالعات مختلف بیانگر آن است که کانون خانواده می‌تواند رابطه مستقیمی با بروز رفتار مجرمانه داشته باشد، بزهکاران اغلب دارای والدینی فاقد صلاحیت و محیط خانوادگی متشنج و از هم گسیخته هستند، این افراد اغلب در برابر والدین مقاومت می‌نمایند، به‌طور کلی این افراد کسانی هستند که بالقوه نیروی بزهکارانه فراوانی در وجود خود داشته، اما اینکه این نیروها روزی به بالفعل تبدیل گردند بستگی به طرز رفتار والدین و سایر افراد خانواده و محیط اجتماعی که در آن قرار می‌گیرند، خواهد داشت.

۲- عوامل مؤثر در ارتکاب جرم

۲-۱- نقش خانواده در عامل خشونت اعضا

در جامعه چند نوع خانواده وجود دارد که فرزندان آنها در آستانه خطرات و آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. خانواده‌های خشن، بی تفاوت، گسسته و ناآشنا با اطلاعات روز جزء خانواده‌هایی هستند که فرزندان آن آمادگی برای ارتکاب به جرم را پیدا می‌کنند. خانواده‌هایی روش صحیح تعامل با فرزند خود را بلد نیستند و استفاده از ابزارهای خشونت‌زا مانند تنبیهات بدنی را عاملی مؤثر در تربیت فرزندشان تلقی می‌کنند؛ غافل از اینکه همین نوع رفتار عاملی مخرب برای بروز انواع ناهنجاری‌ها در فرزند در سنین بعد از بلوغ می‌گردد. عنصر خشونت، آسیب رساندن به غیر است که در موارد بسیاری جرم انگاری شده است (عابدی تهرانی و افشاری، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

دلیل این که در کشور آمار کودک آزاری و جرایم بالا است، وجود خانواده‌های خشونت طلب در جامعه است که بیشتر آنها گرفتار استبداد رفتاری والدین می‌باشند. بهترین نوع خانواده را خانواده‌های منطقی تشکیل می‌دهند که والدین با اطلاعاتی به روز و آگاهی از تربیت فرزندان محیطی سالم برای رشد فکری آنها فراهم می‌کنند.

خانواده‌هایی که خود را در گروه خانواده‌های آسیب‌رسان جامعه می‌بینند باید به مراکز مشاوره مراجعه نموده، تا بیش از این گرفتار آسیب‌های اجتماعی نگردند. آموزش و پرورش به عنوان متولی دولتی و NGO ها به‌عنوان متولیان غیر دولتی

ماهیت شفا‌دهنگی، در گلزار مزایای اخلاقی و سجایای آدمی، جوانانی را که در آغوش طوفان‌های پرهیجان تمنیات جوانی و بی‌سروسامانی سیر می‌کنند و دست‌وپا می‌زنند، از غرقاب هلاکت می‌رهاند و آنان را به ساحل امن و امان هدایت نموده و پیران ناتوانی را که در خانواده دست از فعالیت شسته‌اند و بر اثر ضعف در کنجی نشسته‌اند، سکون و آرامش می‌بخشد تا لحظات واپسین زندگی را در شرایطی دلنشین سپری نمایند و یأس و نومیدی وجود پر ارزش آنها را تحت الشعاع قرار ندهد.

خانواده اهمیت بسیاری دارد؛ چه، برای اعضای خود وظایف و حقوقی قائل می‌باشد و راه‌های مفید و مطلوبی را برای رفتار با یکدیگر در درون خانواده و در ارتباط با گروه‌های جامعه ارائه نماید (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۸).

۱-۳- بزهکاری جوانان در جامعه

اغلب روان‌شناسان و مشاوران اجتماعی خانواده را علت اصلی گرایش فرد به آسیب‌های اجتماعی می‌دانند و از میان پنج عامل مؤثر در شخصیت فرد روابط عاطفی والدین را مؤثرترین دلیل شکل‌گیری شخصیت فرزند محسوب می‌نمایند.

اکنون مسأله بزهکاری نوجوانان و جوانان به‌صورت یکی از حادثترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف محسوب می‌گردد. پیدایش جوامع و ارتکاب جرم از آغاز با یکدیگر همراه بوده؛ چه، از روزی که افراد دور هم جمع شده و تشکیل جامعه داده اند جرم نیز با آنان همراه بوده و توسعه یافته است. رسوخ بزهکاری در میان نوجوانان و جوانان که سازندگان اجتماع آینده هستند و ریشه دار شدن آن موجب بیم و نگرانی بیشتری می‌گردد.

اجتماعی را نمی‌توان یافت که در آن فردی مرتکب جرم نگردد. لاکاسین می‌گوید: «بزهکاری یک میکروب اجتماعی می‌باشد، این میکروب در محیطی که آمادگی پروراندن تبهکار نداشته باشد رشد نموده و جرمی ارتکاب نمی‌یابد.»

خانواده‌های پرجمعیت امکانات و فرصت‌های کمتری برای پرداختن به تفریحات سالم خواهند داشت؛ بنابراین در نتیجه این محرومیت، آنان بیشتر درصدد حادثه‌جویی، هویت‌یابی و مطرح ساختن خود می‌باشند و به همین دلیل بیشتر به سمت جرم یا انحراف اجتماعی گرایش پیدا می‌نمایند.

نیازها و ضرورت‌های مادی و اقتصادی اعضای خانواده، در صورتی که خانواده ثروتمند نباشد، کمتر تأمین می‌گردد و در نتیجه ناخشنودی و نارضایتی از زندگی بیشتر خواهد بود. سوءتغذیه و بهداشت و آموزش و پرورش نامطلوب مجموعاً مقاومت‌های روانی فرزندان را در مقابل وسوسه‌های گوناگون کاهش داده و آنان را آماده و پذیرای هر نوع انحراف اجتماعی می‌نمایند (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴).

۲-۴- تأثیر مشغله کاری والدین بر ارتکاب جرم

مشغله کاری سبب می‌گردد که بین نقش‌های اجتماعی والدین (به‌خصوص پدر) تعارض به‌وجود آید. یک فرد ممکن است در جامعه نقش‌های متعددی داشته باشد. گاهی تعدد نقش‌ها نوعی برخورد یا رویارویی است که اصطلاحاً تعارض نامیده می‌شود. مشغله کاری باعث می‌شود که بین والدین و فرزندان دیواری مستحکم کشیده شده و نظارت اجتماعی در خانواده زایل گردد. در این خانواده‌ها والدین نمی‌دانند که فرزندانشان اوقات فراغت را چگونه و با چه کسی سپری خواهند کرد.

مسئولیت بهداشت روانی فرزندان با والدین خانواده می‌باشد؛ به خصوص در دوره نوجوانی این مسئولیت حساس‌تر به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال پدید آمدن علائم جسمی و روانی بلوغ جنسی، نوجوانان را غافلگیر و مضطرب می‌نماید و چه بسا افرادی احساس گناه کرده و از تن خود بیزار و متنفر می‌گردند. اگر والدین کنترل اجتماعی روی فرزندان خود نداشته باشند گرایش به سمت انواع انحرافات اجتماعی حتمی خواهد بود.

۲-۵- تأثیر عدم مشارکت فرزندان در امور خانواده

مشارکت افراد در امور خانواده قرینه‌ای بر توجه به رشد و شخصیت انسان‌ها می‌باشد. عدم مشارکت فرزندان (به

و رسانه ملی باید برای آموزش صحیح به خانواده در جهت کم‌رنگ شدن جرایم اجتماعی در جامعه همگام باشند.

۲-۲- نقش جامعه در عامل خشونت خانواده

گروهی معتقدند خانواده، خود، معلول نابسامانی‌ها و عوامل مختلف مانند فقر و نبود آموزش کافی در جامعه می‌باشد. خانواده‌ها خود معلول آسیب‌های جامعه‌اند که دولت باید متولی حل آن باشد در غیر این صورت شاهد انواع آسیب‌های افزایش جرایم در جامعه خواهیم بود. نباید برای ارتکاب جرایم خانواده را محکوم نمود، خانواده خود معلولی در جامعه است و علت عمده مشکلات خانواده مدیریت‌های حاکم بر جامعه می‌باشد.

از دیدگاه این عده، افرادی که معتقدند این والدین هستند که نمی‌توانند فرزندانشان را کنترل کنند و آنها را با انبوهی از مشکلات به جامعه تزریق کرده و جرایم جامعه را بالا می‌برند سخت در اشتباه هستند. پدر و مادری که خود به لحاظ فقر مالی نمی‌توانند زندگی‌شان را اداره نمایند، پدر و مادری که اجازه بهای بالا می‌دهند، از کار بی‌کار شده‌اند و با وجود تورم بالا هنوز حقوق پایین دریافت می‌نمایند، طبیعی است که در خانه خشن، بی‌تفاوت و خسته باشند و دیگر وقتی برای تربیت فرزند باقی نخواهد ماند. وقتی پدر و مادر برای سیر کردن شکم فرزندشان مجبورند از صبح تا شب کار کنند معلوم است که دیگر وقتی برای تربیت فرزند باقی نمی‌ماند و فرزند در فقر عاطفی و تنهایی رشد می‌نماید.

۲-۳- نقش خانواده‌های پرجمعیت در گرایش فرزندان به

جرم

خانواده‌های پرجمعیت در تمام شیوه‌های زندگی خود با خانواده‌های کم‌جمعیت متفاوت می‌باشند و بحران‌های خانوادگی به علت کثرت جمعیت در این خانواده‌ها بیشتر است. خانواده‌های پر جمعیت به علت عدم امکانات اقتصادی، از جایگاه اقتصادی و اجتماعی نامطلوب برخوردار می‌باشند، بنابراین نیاز به معاشرت و مراوده با دوستان، به‌عنوان بخشی از فرآیند رشد اجتماعی آنها، مطرح می‌گردد.

اوقات فراغت نمی‌باشد، بلکه نشان از محدودیت ابتکار است. پول هرچند لازمه زندگی کردن است، اما فکر، اندیشه و ابتکار بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر از آن می‌باشد.

عدم برنامه‌ریزی جامع در ارتباط با اوقات فراغت فرزندان (به‌خصوص در دوران نوجوانی) سبب می‌گردد جوانه‌های خلاقیت ذهنی آنها بارور نشده و بی‌نظمی‌های فکری و رفتاری و مشغولیت‌های طولانی بر جوانان غالب گردد، که خود از عوامل گرایش نوجوانان به جرم است. ارزشمندی اوقات فراغت به موازات رشد فکری و توسعه قابلیت‌های آموزشی، مسؤولیت‌پذیری خانوادگی و اجتماعی نوجوان را مضاعف می‌نماید (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

۲-۷- نقش اختلافات خانوادگی و طلاق در ارتکاب جرم

احتمال تفرقه و جدایی بین زوجین همواره وجود دارد. لیکن این امر دارای آثار منفی متعددی است؛ چه، مشکلات آن دامن‌گیر فرزندان نیز می‌شود. گسستن خانواده بیشترین آسیب را برای فرزندان دارد. زیرا پدر فردی است مستقل و مادر هم همین‌طور، ولی آنکه بی‌پناه و متزلزل است، فرزند یا فرزندان هستند، حتی اگر تحت حمایت یکی از والدین قرار گیرند، باز هم حلقه‌ای گسسته به‌شمار می‌آیند؛ و این فرزندان اغلب دچار جراحات عاطفی می‌گردند و از این‌رو موجبات خسران اجتماعی را فراهم می‌آورند.

مطالعه اثر از هم‌پاشیدگی کانون خانوادگی، شخصیت و روان طفل و نهایتاً رفتارها و هنجارهای وی، از دیر زمان سابقه داشته و مورد توجه متفکرین بوده است. فقدان پدر، گذشته از مشکلات مادی که برای خانواده ایجاد می‌نماید، از جنبه تربیتی و عاطفی سخت‌ترین ضربات و عمیق‌ترین جراحات را بر روان و روح طفل وارد می‌سازد. مطالعات انجام شده در بعد از دو جنگ جهانی نشان داد، فرزندی که پدرشان را در جنگ از دست داده‌اند، از نظر رشد دماغی و منشی دچار اختلال بیشتری نسبت به فرزندی که دارای پدر بوده‌اند می‌باشند (نجفی‌توانا، ۱۳۹۴: ۲۲۹).

خصوص نوجوانان) در امور خانواده سبب می‌گردد که آن‌ها در مورد بحران‌های اجتماعی دوران جوانی سکوت اختیار نمایند.

در برخی خانواده‌ها رفتار والدین بیانگر نوعی خصومت و در عین حال بی‌تفاوتی می‌باشد. سخت‌گیری بیش از حد، بالاخص در سنینی که فرزندان سال‌های قبل از بلوغ را سپری می‌کنند، بدترین آثار را در رفتار و شخصیت فرزندان وارد می‌آورد. فرزندی که چنین رفتارهایی با آنان می‌شود، تصاویری منفی از والدین خود ثبت کرده و نسبت به اطرافیان رفتار مناسبی نخواهند داشت. آنان به موجودی بدون ابتکار، منفعل، ترسو و ضعیف‌النفس تبدیل می‌گردند. چنین فرزندی از خانه گریزان بوده و در جستجوی نیازهای عاطفی و لذت‌جویی، در کوچه و محله به دنبال همسالان خود گشته و در گروه‌های چندنفره، محیطی به اصطلاح خودشان امن را به وجود خواهند آورد.

از سوی دیگر، بی‌تفاوتی والدین و اغماض بیش از حد نسبت به اشتباهات و عیوب رفتاری فرزندان، آنان را خودسر، مغرور، خود رأی و خودخواه بار آورده و سبب می‌گردد قدرت مقاومت آن‌ها در مواجهه با مشکلات و معضلات سلب گردد، آن‌ها در اولین برخورد با مسئله حاد زندگی شکست و ناکامی را در خود احساس می‌نمایند و شدیداً سرخورده شده و احساس مظلومیت خواهند کرد. این‌گونه افراد در زندگی خود به علت توجه بیش از حد والدین، مرز بین عمل خوب و بد را ندانسته و به سوی انواع انحرافات اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند.

۲-۶- لغزش خانواده‌ها و نقش آن در انحرافات اجتماعی

در خانواده‌ها عواملی از قبیل جدایی والدین، عدم تفاهم اخلاقی، هیجان‌ها و اضطراب‌های عصبی و تحریک مداوم در اثر منازعات و دعاوی، رفتار فرزندان را شدیداً تحت تأثیر قرار داده و عدم رشد قوای عاطفی، افسردگی، بی‌تفاوتی نسبت به اطرافیان و عدم نظارت والدین نقش مهمی را در گرایش فرزندان به سمت انواع جرائم و انحرافات اجتماعی ایجاد می‌نماید.

توجه تک بعدی والدین در خصوص اوقات فراغت نوجوانان به مسائل مادی (مانند پول) نه تنها نشانه استفاده صحیح از

لازمه عقده‌ای نشدن فرزندان‌شان این است که آنها را به حال خود واگذارند. این دسته از والدین اغلب سبک تربیتی سهل‌گیرانه را پیش گرفته و از امر و نهی به فرزندان و جدیت در برابر آنان غفلت می‌ورزند. آن‌ها آزادی بی‌حدی را به فرزندان خویش داده و از مشخص کردن انتظارات تربیتی خود غافل گشته‌اند.

نتیجه نسبتاً قطعی این سبک تربیتی، غفلت والدین از آموزش و انتقال ارزش‌های حاکم بر جامعه به فرزندان خویش و پیگیری میزان اهتمام فرزندان‌شان در پیروی از آن ارزش‌ها است (الیاسی، ۱۳۹۱: ۲۸).

در این زمینه پیشنهاد می‌گردد که والدین از سبک تربیتی دقیق‌تر و صحیح‌تری به نام سبک تربیتی قاطع و اطمینان‌بخش که لازمه آن داشتن انتظارات مشخص از فرزندان، وقت گذاشتن برای آنان و محبت و نوازش بی دریغ، استفاده نموده تا در انتقال ارزش‌های فرهنگی و تربیتی جامعه به فرزندان خویش کمتر دچار مشکل شده و از آزادی و اختیار به موقع و مناسب بهره‌گیرند. در اثر این نوع تربیت، فرزندان از یک سو احساس آرامش و آسایش خواهند کرد و از سوی دیگر نیز ارزش‌های جامعه برای آنها درونی‌تر می‌گردد و کمتر به جرائم روی خواهند آورد.

انسان موجودی اجتماعی است و از بدو تولد در یک مجموعه اجتماعی زندگی می‌کند و نسبت به آن مجموعه احساس تعلق می‌کند. هرچه کودک بزرگ‌تر می‌شود نسبت به والدین، اعضای خانواده، محله، شهر، کشور و بالاخره فرهنگ خود احساس تعلق بیشتری می‌نماید. این حس تعلق به فرد کمک می‌کند تا متوجه گردد خودش چه کسی است، جایگاهش در این زندگی کجاست، چه هدفی دارد و چگونه می‌تواند موفق باشد (فرهمندیان، ۱۳۹۱: ۴۹-۵۰).

احساس تعلق به خانواده، فامیل، فرهنگ ایرانی، مذهب اسلام یا گروه‌های هم‌سال هدفمند، می‌تواند احساس ارزشمند بودن و هدف‌دار بودن را در فرزندان ایجاد نماید، عزت‌نفس را در آن‌ها رشد داده و سبب شود که حس مسؤولیت‌پذیری و

از نظر جرم‌شناسان، طلاق در وقوع بزه مؤثر است و از عوامل جرم‌زا محسوب می‌گردد. از اثرات طلاق در مردان این است که آنها را افرادی غیرمتعهد بار می‌آورد. آمار جنایی نشان می‌دهد که تعداد این افراد غیرمتعهد در میان زندانیان قابل تأمل است. اثر طلاق در زنان، به خصوص آن‌هایی که پناهگاهی ندارند و فاقد استقلال اقتصادی هستند، بسیار خطرناک می‌باشد. اثر طلاق در فرزندان نیز بسیار زیاد است و عقده‌هایی غیرقابل تحمل و توأم با نفرت در آنان ایجاد می‌کند که شدیدتر از وضع یتیمی می‌باشد (نجفی توانا، ۱۳۹۴: ۵۰).

بار روانی محیط متشنج خانواده در دوران اولیه طفولیت و دوران بلوغ با انواع اختلالات و بیماری‌های روانی ظاهر می‌گردد. نفاق، ناسازگاری و مشاجره دائمی پدر و مادر و اطرافیان آثار شومی را در روان طفل ایجاد می‌نماید. طفل به علت عدم آرامش روانی، به تحصیل و کار خود بی‌علاقه شده، دائماً مضطرب، پریشان و بی‌ثبات خواهد بود. این آثار ناخواسته بعداً در سنین بلوغ و بزرگسالی به صورت عصیان، پرخاشگری، سرکشی از مقررات و قوانین اجتماعی و یا بی‌تفاوتی و انزوا و گوشه‌نشینی ظاهر گشته و منجر به ارتکاب جرائم مختلف می‌گردد.

عدم انسجام خانواده در دختران، غالباً منجر به فرار از منزل و مدرسه و ولگردی می‌شود. پسران کوچک و خیابان را به محیط از هم پاشیده خانه ترجیح داده و با قبول عضویت در باندها به ارتکاب جرائم مختلف کشانده می‌شوند (دانش، ۱۳۸۶: ۲۳۸-۲۳۹).

پس می‌توان اذعان داشت چون خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی و اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی می‌باشد، باید هرچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته و سعی شود که از ستیزه‌های خانوادگی به خصوص طلاق، جلوگیری به عمل آید تا به این طریق از وقوع جرائم پیشگیری گردد.

۲-۸- نقش تربیت سهل‌گیرانه در وقوع جرم

برخی از والدین بر اساس برداشت‌هایی که از مسائل روان‌شناسی دارند (که اغلب نیز غلط است) بر این باورند که

خودآگاهی در آنان تقویت شده و نتیجتاً از روی آوردن آنها به جرم پیشگیری گردد.

تنش و درگیری باشد، زمینه گرایش فرزندان به سمت انحرافات اجتماعی بیشتر می‌گردد (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۱).

۹-۲- تأثیر معاشرت فرزندان با دوستان ناهنجار

پدرو مادر قبل از آنکه نسبت به فرزندانشان عنوان ولایت داشته باشند، باید برای او یک دوست دلسوز تلقی گردند. این رابطه نزدیک مسلماً خوشبختی و سلامت روح و روان را برای فرزندانشان در پی دارد. والدین از طریق بررسی احوال و اعمال دوستان فرزندان می‌توانند آنها را کنترل نموده و از معاشرتشان با دوستان ناهنجار و آلودگی‌های احتمالی جلوگیری نمایند (فرجاد، ۱۳۸۱: ۹۴).

۲-۳- تأثیر محیط خانواده در پیشگیری از جرم

محیط خانوادگی در سازگار کردن افراد با محیط اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، زیرا آرامش، امنیت، رأفت و محبت از بسیاری انحرافات پیشگیری می‌نماید. همبستگی در محیط خانواده قدرت مقاومت را در برابر محرومیت‌ها، ناملایمات و مشکلات زندگی افزایش خواهد داد. هنگامی که خانواده‌ای دارای فرزند می‌شود، باید بتواند نیاز او را به محبت، عشق و عاطفه برآورده نموده و مهم‌تر از همه شهامت و جسارت زندگی کردن را در او ایجاد نماید. پدران و مادران باید بتوانند قدرت فکری و روحی فرزندان خود را تقویت نمایند تا از بروز انواع بیماری‌های روانی احتراز گردد. ایجاد و تقویت قدرت فکری در افراد، از خودکشی و افسردگی جلوگیری می‌نماید.

۱۰-۲- نقش تنبیهات بدنی در وقوع جرم

هرچند وفق ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی: «ببین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند.» لیکن مقصود از این ماده اساساً تنبیه بدنی نمی‌باشد.

۳-۳- نقش خانواده در پیشگیری از نفوذ آلودگی‌های محیطی

به کانون خانواده

باید اذعان داشت که تأثیرگذاری محیط در داخل خانواده ارتباط مستقیمی با شرایط خانه دارد. برخی از خانواده‌ها با اجرای اصول تربیتی صحیح و دوری از تحمیل زور و بنا بر ضرورت علمی و تحصیلی، وسایلی مانند رایانه را به خانه وارد می‌کنند و فرزندان از آنها به‌عنوان وسیله علمی استفاده می‌کنند، بدون اینکه از جنبه‌های بدآموز این وسایل کمترین بهره‌ای ببرند. در مقابل، خانواده‌هایی هم وجود دارد که اساساً اصول صحیح تربیتی در خانه آنها راه ندارد و پدران و مادران فاقد نقش الگویی می‌باشند. از آنجا که در اینگونه خانواده‌ها اثری از تربیت و سازندگی ملاحظه نمی‌گردد، آلودگی‌های محیطی به خانه نفوذ کرده و زمینه برای روی آوردن فرزندان به جرائم مهیا می‌گردد.

در برخی از خانواده‌ها کودک به دلیل اشتباهاتی که انجام می‌دهد، تنبیه بدنی می‌شود. این حالت محتمل است در فرد یک نوع حالت انتقام‌جویی ایجاد نموده و بعدها ممکن است این انتقام‌جویی را نسبت به خانواده و یا اجتماع ابراز نماید. تنبیه بدنی به کودک خصومت و ستیزه‌گری را آموخته و همه وجود و توانایی‌های بالقوه تنبیه‌گر را در حلقه‌ای از خشم، سرخوردگی‌ها، ناامیدی‌ها و فشار روانی محدود و محبوس می‌نماید؛ در مقابل، بخشش و تذکر می‌تواند وجود کودک را شکوفا نماید.

۳-عوامل مؤثر در پیشگیری از جرم

۱-۳- تأثیر اداره خانواده در پیشگیری از جرم

در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و به‌سزا در جامعه ایفاء می‌نماید. در واقع هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مدعی سلامت باشد تا زمانی که از خانواده‌های ناسالمی برخوردار باشد و بی تردید هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده بوجود آمده باشد. فرزندان در یک محیط خانوادگی به امنیت، آرامش و محبت نیاز دارند و چنانچه در محیطی زندگی کنند که پر از

۴-۳- تأثیر خانواده‌ها در پیشگیری از وقوع جرائم منفی

عفت

با آغاز دوران بلوغ، احساسات و غرایز جدیدی در فرد ایجاد می‌شود. یکی از این غرایز فوق‌العاده قوی، هیجانانگ و

آداب و رسوم اجتماعی قلباً احساس شرف و رضایت خاطر می نماید (دانش، ۱۳۸۶: ۲۳۵-۲۳۶).

احتیاج به محبت محدود به زمان مشخصی نیست. این حس در دوران طفولیت پایه گذاری می‌گردد، ولی افراد در دوره بلوغ نیز نیاز به محبت، عاطفه، هدایت و حمایت دارند و در صورت کمبود محبت و محرومیت از عواطف انسانی، عصیانگر و پرخاشگر شده و به سمت ارتکاب جرائم متمایل می‌گردند.

جان بابی نویسنده کتاب محرومیت از مهر مادر می‌گوید: عوارض کمبود محبت به صورت بی‌عاطفگی، بی‌رحمی، افت تحصیلی، بی‌باکی، سرقت، تقلب، انحراف، خودفروشی و فحشا شناسایی می‌گردد (قائمی، بی‌تا: ۱۴۹).

والدین باید فرزندانشان را بنا بر اقتضای شرایط اجتماعی و تربیتی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، پرورش داده و تربیت نمایند. اگر که والدین غیر از این توقع داشته باشند، هنگامی که کودک به محیط خارج از خانواده راه می‌یابد، خود را در حالت نامتعادل و ناسازگاری خواهد یافت که محتمل است در ارتباط او با سایر افراد جامعه تأثیر نامطلوب بگذارد. والدینی که سعی دارند کودکان خود را بر مبنای معیارهای ذهنی خود و یا بر مبنای روش‌های تربیتی جوامع بیگانه تربیت نمایند، به ناسازگاری اجتماعی آینده کودک ناخودآگاه کمک نموده‌اند (فرجاد، ۱۳۸۷: ۵۲).

۳-۶- تأثیر تقویت حس مذهبی و اعتقادی فرزندان در

پیشگیری از جرم

تقویت حس مذهبی و اعتقادی به‌عنوان مهاری درونی برای کنترل اجتماعی و بارور کردن حس وجدان و زندگی شرافتمندانه در انسان‌ها و مهم‌ترین بازدارنده از وقوع جرم تلقی می‌گردد. ایمان، تقوا و باورهای مذهبی با آموزه‌هایی همچون باور به آفریننده حکیم، عادل و عالم، هدف‌دار بودن جهان هستی و دوری آن از هرگونه بطلان و عبث و نیز اعتقاد به قیامت و روز جزا و با آثاری همچون رضا به قضای الهی، توکل بر خداوند، خوش‌بینی به آفرینش، نوع دوستی و خیرخواهی برای مخلوقات، زمینه هرگونه جرم و گناه را

فشارهای شدید جنسی می‌باشد. نحوه کنترل و پرورش درست، مجموعه غریز در دوران بلوغ، فرد را از یک دوره بحرانی به سلامت به در خواهد برد و شخصیت وی را شکل می‌دهد. تکلیف والدین از این مرحله به بعد، نقشی تعیین کننده در شخصیت و آینده فرزندان خواهد گذاشت.

جنسیت دختر یا پسر تفاوتی ندارد، هر دو در عرصه ناشناخته‌ای قدم گذاشته‌اند. مشکل جامعه ما این است که حیا، ترس و احترام‌های بی‌مورد، مانع ارتباط نزدیک بین والدین و فرزندان است. والدین باید در این مرحله از زندگی فرزندان، با منطقی ساده و بدون پرده پوشی‌های غیرضروری، اطلاعات کافی را درباره بلوغ و مسائل جنسی و آثار ناشی از آن به فرزندان آموزش دهند. پدر و مادر باید برای فرزندان قبل از هر نقشی به‌عنوان یک دوست و محرم راز تلقی گردند. این ارتباط نزدیک اثرات فوق‌العاده مؤثری دارد. از یک طرف فرد به مسائل و هیجانات تازه‌اش واقف می‌گردد و آن‌ها را شناسایی می‌کند و از سوی دیگر راه‌های کنترل و رضای آن را می‌آموزد.

ارتباط نزدیک والدین به فرزندان این امکان را به آنها خواهد داد که مسائل، تجربیات، دیده‌ها و شنیده‌هایشان را بدون ترس و دلهره با والدینشان مطرح نموده و چون مرحله به مرحله با افکار و احساسات فرزندان همراه و آشنا می‌گردند، چه بسا قبل از کجروی و انحراف، آن‌ها را تشخیص داده و فرزندانشان را از ارتکاب اعمال مجرمانه و رفتارهای ناهنجار و نادرست برهانند (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۹۲).

۳-۵- اثر ارتباط عاطفی والدین در پیشگیری از وقوع جرم

آرامش، امنیت، مهر و محبت در کانون خانواده از علل مهم در رشد جسمی و روانی اطفال و نوجوانان می‌باشد. احتیاج به محبت یک حس ذاتی بشری است که در ساختار شخصیت هر فرد فوق‌العاده مؤثر است. کمبود محبت سبب بروز اختلال رفتار و انواع انحرافات شده و در چندین نسل اثر خواهد گذاشت. طفلی که از محبت خانوادگی محروم است، خود را از خانواده و اجتماع طرد شده و منزوی تلقی نموده، همواره درصدد انتقام‌جویی است و پس از ارتکاب اعمالی بر خلاف

زندگی گردد. خانواده مسؤلیت‌های تربیتی مهمی را بر عهده دارد؛ مانند آموزش مستقیم، ارائه الگوهای رفتاری در زمینه ارزش‌ها و هنجارها و برانگیختن کودک به ارتباط و تبادل نظر با دیگران.

خانواده می‌تواند فرزندان را با کتاب، عقاید، اندیشه‌ها، دین و فرهنگ آشنا نموده، زمینه‌های رشد، تحصیل و بالندگی او را فراهم نماید و نهایتاً او را در انتخاب حرفه هدایت کرده، وسایل تندرستی و تفریحات سالم او را فراهم کند. از سوی دیگر، عواملی مانند خشونت، تنبیه غیرمتعارف بدنی، عدم رسیدگی به امور عاطفی و اقتصادی فرزندان می‌تواند به‌عنوان عوامل موثری تلقی گردد که در آینده سبب ارتکاب جرم شود.

باید گفت که تأثیر خانواده در تربیت بیشتر از هر چیز دیگری می‌باشد، چون در محیط خانه مهر و قانون در هم آمیخته شده‌اند و هنگامی که انضباط با مهر و محبت و ملاحظات عاطفی آمیخته شود، معجزه تربیت رخ می‌دهد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: به‌صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- احمدی، علی اصغر (۱۳۹۰). *نقش اولیا در گذراندن اوقات فراغت فرزندان*. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

- الیاسی، محمدحسین (۱۳۹۰). «تعارضات والدین و فرزندان و خلأ فرهنگی - آموزشی». *ماهنامه فرهنگی - آموزشی پیشگامان*، ۷: ۶۷-۹۷.

منتفی و آرامش و امنیت را در جامعه تثبیت می‌نماید. نگاه به جهان پس از مرگ و یادآوری روزی که هر کسی ثمره نیک و بد اعمالش را می‌بیند، انسان را به خویشتن داری و مراقبت از اعمال خود وامی‌دارد.

۳-۷- نقش هدف‌دار کردن زندگی در پیشگیری از جرم

والدین با هدف‌دار کردن زندگی برای فرزندان آن‌ها را از احساس پوچی و بیهودگی دور نموده که ثمره آن عدم تمایل به انحرافات و جرائم می‌باشد. چراکه زندگی فلسفه و راه و روشی می‌خواهد. پاسخ به این سؤالات: من که هستم؟ از کجا آمده‌ام؟ چرا زندگی می‌کنم؟ چرا باید بمیرم؟ چرا باید بجنگم؟ چرا باید صلح کنم؟ ... این الفبای کار والدین در تربیت است و اگر از این امر غفلت نمایند، بسیاری از جوانان در زندگی بی‌هدف شده و به دلیل این بی‌هدفی‌ها است که نمی‌دانند سر در کدامین گریبان فرو برند و محتمل است خیلی راحت به جرائم و انحرافات اخلاقی روی آورند. پس والدین می‌بایست فرزندان را در حد مطلوب و مناسب از عاقبت این زندگی و سرانجام آن آگاه نمایند. باید به آنها متذکر شوند که بیهوده به این عالم نیامده‌اند، بلکه خلقت آنها هدف و فلسفه والایی داشته و حساب و کتابی هم برای آن وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نقش نهاد خانواده با لحاظ چالش‌های اجتماعی ناشی یا در ارتباط با آن در عرصه حقوق کیفری می‌تواند اثر مستقیم بر ارتکاب یا پیشگیری از جرایم داشته باشد. هرچند بررسی تمام چالش‌های نهاد خانواده و تأثیر آن بر ارتکاب جرم امری بسیار زمان بر و دشوار است، لیکن در این مقاله مهمترین چالش‌های نهاد خانواده که می‌تواند منتج به وقوع یا پیشگیری از جرایم گردد مورد تحلیل قرار گرفت.

وضع محیط خانوادگی در سازگار نمودن افراد با محیط اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید، زیرا آرامش و امنیت و رأفت و محبت، از عمده انحرافات پیشگیری می‌کند. اتحاد و همبستگی در محیط خانواده می‌تواند سبب افزایش قدرت مقاومت را در برابر محرومیت‌ها، نامالیقات و مشکلات

- دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۶). مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟. چاپ هفتم، تهران: مؤسسه کیهان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- عابدی تهرانی، طاهره و افشاری، فاطمه (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی رسانه‌های تصویری در بروز خشونت در جوامع». پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱: ۱۷۰-۱۹۷.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۱). روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی. چاپ دوم، تهران: همراه.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۷). بررسی مسائل اجتماعی ایران: فساد اداری، اعتیاد و طلاق. چاپ اول، تهران: اساطیر.
- فرهنگیان، محمد (۱۳۹۱). نیاز به احساس تعلق داشتن. تهران: پیوند.
- قائمی، علی (بی‌تا). «عوارض نابسامانی خانواده بر رشد و تربیت فرزندان». مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور، تهران.
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۴). جرم‌شناسی. تهران: آموزش و سنجش.
- نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۳). «نقش خانواده در سازندگی نسل». مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور، چاپ اول، تهران: انجمن اولیا و مربیان.